



یاران درون

ذکر و ثمرات آن

احمد خیری

دام‌های ناپیدای شیطان را به سهولت بشناسد و در دام او نیفتد. «اهل تقوی، آن هنگام که دچار وسوسه گروهی از شیاطین شوند به یاد خدا افتاده، در آن وقت است که بینا می‌گردند»^۵

جلب نعمت‌های الهی

یکی دیگر از ثمرات والای ذکر، جلب نعمت‌های بی‌کران الهی و ریزش خزانه رحمت خدای تعالی، بر زندگی فرد است. این حقیقت در آیه معروف «فاذکرونی اذکرکم» به صراحت بیان شده است. آری؛ هرکسی ذکر خدا کند خداوند هم ذکر او کند. البته، یادکردن خدا از کسی، زبانی و لفظی نیست؛ بلکه از جنس فیض و رحمت و نعمت است.

تشدید محبت الهی

ذکر خدا به تدریج قلب انسان را از محبت خدا لبریز و آتش شوق لقای حق را در دل فرد می‌افروزد. «جز این نیست که مؤمنان کسانی هستند که چون ذکر از خدا به میان آید، قلب‌هایشان به تیش آمده، آن هنگام که آیات او برایشان تلاوت گردد بر ایمانشان بیفزاید و بر خدا توکل می‌کنند»^۶

قرآن؛ بهترین ذکر

یکی از مصادیق والای ذکر قرآن، است؛ بنابراین تمام آثاری که بر قرآن مترتب است و همه بهره‌هایی که انسان از رهگذر قرآن کریم می‌تواند به دست آورد، خود، ثمرات و راه‌آوردهای ذکر خواهد بود و نیز تمامی اثرات عظیمی که بر نماز مترتب است نیز در شمار ثمرات ذکر است به خاطر این‌که نماز یکی از مصادیق والای ذکر است.

ذکر، ذاکر و مذکور؛ مراتب ذکر

ابوحامد محمد غزالی در کتاب کیمیای سعادت برای ذکر، چهارمرتبه و مرحله قائل می‌شود که مضمون آن چنین است: اولین مرتبه، ذکر زبانی است؛ یعنی انسان اذکاری را زمزمه کند، هرچند حضور قلب نداشته باشد اگر مدتی بر این مرحله ملازمت داشته باشد وارد دومین مرحله ذکر می‌شود. دومین مرتبه ذکر این است که همراه با ذکر زبانی، قلب نیز متوجه است و به ذکر مشغول می‌شود؛ البته این حضور قلب با نوعی تکلف همراه است و ذکر هنوز در قلب متمکن نشده و ثبات و قرار نیافته است به‌طوری‌که با کمی بی‌توجهی، قلب از همراهی با زبان در ذکرگفتن طفره می‌رود و باز می‌ماند اما اگر فرد مدتی بر همین مرحله تلاوم داشته باشد به مرحله سوم ذکر پا می‌گذارد.

در مرتبه سوم، ذکر کاملاً در قلب تمکن می‌یابد و احتیاج به تکلف و توجه فرد ندارد؛ به‌طوری‌که گاهی زبان از ذکر بازمانده، اما قلب فرد همچنان ذاکر حق است.

در مرحله چهارم تمام ماهیت فرد، ذکر می‌شود؛ یعنی ذکر و ذاکر، محو مذکور (خدا) می‌شوند.

ابوعلی سینا و صدرالمتهلین تصریح دارند گاهی که در یک مسئله علمی و فلسفی به مشکل برمی‌خورند و قادر به حل آن نبودند به ذکر و نماز می‌پرداختند، مطلب برای آن‌ها روشن می‌شد



یکی از مؤثرترین عوامل علاج مرگ دل و احیای دوباره آن، پناه بردن به ذکر خداست. ذکر حق، نور است و مداومت در آن، قلب را از تاریکی، افسردگی، و زنگار نجات می‌دهد

مترنم بودن زبان و قلب انسان به اسمای حسنای الهی و شاداب نگه‌داشتن گل روح در ریزش مداوم باران یاد حق بر آن، از عوامل بسیار مؤثر در سازندگی روح و روان آدمی است. ذکر، صیقل دهنده روح، جلابخش قلب و نفس انسانی است، و از همین رو قرآن شریف، ایمان‌آوردندگان را ذاکران شام‌گاه و صبح‌گاه و یادآورنده همراه حق در نشستن، برخاستن و خوابیدن معرفی کرده است.

برخی از مهم‌ترین اثرات اعجاب‌آور و باشکوه، ذکر عبارتند از:

جلای قلب

از ثمرات والای ذکر، نورانی شدن و بیداری و جلای دل است. مردن دل، افسردگی و از نشاط و امید افتادن دل، از هول‌ناک‌ترین سیه‌روزی‌هاست، به‌طوری‌که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام اولین سفارش‌شان به فرزندان، امام حسن مجتبی علیه‌السلام این است که: «بیش از هرچیز به عمارت دل خویش بپرداز»^۱ یکی از مؤثرترین عوامل علاج مرگ دل و احیای دوباره آن، پناه بردن به ذکر خداست. ذکر حق، نور است و مداومت در آن، قلب را از تاریکی، افسردگی، و زنگار نجات می‌دهد، لطافت و درک و شهود به آن می‌بخشد. این ثمره ذکر را حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام چنین گوشزد می‌فرماید: «خدای تعالی، یاد و ذکر خویش را موجب جلا، صیقل و روشنی دل‌ها قرار داده؛ به طوری‌که به وسیله ذکر، دل‌ها بعد از کوری بار دیگر شنا و بعد از کوری، دو مرتبه بینا و بعد از سرکشی، دو مرتبه رام و مطیع می‌گردند»^۲

اطمینان قلب

زدوده‌شدن اضطراب‌های درونی و ایجاد اطمینان و آرامش قلبی از ثمرات دیگر ذکر است. دنیای محدود مادی - که طبعاً جایگاه تزاخم و تضاد است - دشمنی‌ها، کمبودها، به بن‌بست رسیدن‌ها و ناکامی‌هایی را به دنبال دارد. برای قلب حساس انسان، اسباب غم و نگرانی در دنیا بی‌شمار است. تنها عامل مطمئن ریشه‌کن نمودن هرگونه اضطراب روحی، پناه بردن به ذکر خداست، که خود فرموده است: «آگاه باشید که دل‌ها تنها به یاد خداست که آرام می‌گیرند»^۳ ذکر حق و یادآوردن اسما و صفات خدا انسان را به یک قدرت لایزال، متصل می‌کند. پروردگار متعال فشار روحی ناشی از احساس گناه را با پیام مغفرت و توبه از قلب فرد گنه‌کار برمی‌دارد؛ احساس اضطراب و ناامنی ناشی از فقر و کمبودها را با تذکر غنای بیکران الهی، نگرانی حاصل از زیان و صدمه دشمنان را با یادآوردن قدرت مطلقه‌اش و اضطراب ناشی از به بن‌بست رسیدن علل طبیعی را با امدادهای غیبی خود در جان انسان، ریشه‌کن می‌سازد.

حکمت و علم

از دیگر ثمرات ذکر، پختگی عقل و کمال و حکمت است. ذکر، باعث فروزان‌شدن قوه ادراک انسان و جوشش فکر و اندیشه می‌شود. جان فرد این شایستگی را پیدا می‌کند که منعکس‌کننده حقایق غیبی در وجود خویش باشد. این حقیقت را حضرت علی علیه‌السلام صریحاً بیان می‌کند و بزرگانی هم آن را تجربه کرده‌اند. ابوعلی سینا و صدرالمتهلین تصریح دارند گاهی که در یک مسئله علمی و فلسفی به مشکل برمی‌خورند و قادر به حل آن نبودند به ذکر و نماز می‌پرداختند و مطلب برای آن‌ها روشن می‌شد. حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید: «و همواره برای خدای تعالی، که نعمت‌هایش بزرگ است در هر برهه‌ای بعد از برهه دیگر و در زمان‌های نبودن پیامبران و سستی دین، بندگانی بوده است که خداوند در اندیشه‌هایشان با آنان راز گفته، در عقل‌هایشان با آنان سخن می‌گوید. اینان چراغ هدایت را به روشنایی بیداری در دیده‌ها و گوش‌ها و دل‌ها افروختند»^۴

بصیرت شناخت شیطان

از عوامل اصلی سقوط انسان و سیه‌روزی او، افتادن در دام‌های ناپیدای شیطان است. ذکر حق به انسان بصیرتی می‌دهد که وسوسه‌های پنهان و

پی‌نوشت‌ها:

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱
۲. همان، خطبه ۲۱۳
۳. رعد، ۲۸
۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۳
۵. اعراف، ۲۰۰
۶. انفال، ۲